

گروه سیاسی؛ معاون وزیرامورخارجه ایران برای چانه زنی با اروپایی‌ها پیش از سرگیری مذاکرات وین به کشورهای اروپایی رفته است. او پس از سفر به فرانسه ، آلمان و انگلیس به اسپانیا رفت. باقری قرار است با «انریکه مورا» معاون دبیرکل سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا و هماهنگ کننده جلسات کمیسیون مشترک برجام، ملاقات کند. در طول هفته پیش در تماس تلفنی درباره شروع مذاکرات ازسرگیری اجرای برجام در وین برای هشتم اذر توافق کردند. معاون سیاسی وزیر امور خارجه هدف از این مذاکرات را لغو تحریم‌های غیرقانونی توصیف کرد.

در همین حال ایسنا به نقل از «علی نادری» مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایران) خبر داد که «کمتر از ۱۰۰ روز پس از آغاز دولت سیزدهم، اخیرا بیش از ۳۵ میلیارد دلار از منابع مسدود ایران در یکی از کشورها در دسترس قرار گرفته و بخش قابل توجهی از این منابع در حال ورود به چرخه تجاری کشور است.»

باقری کنسی می‌گوید که هدف اصلی گفت‌وگوها از نظر جمهوری اسلامی ایران، لغو تحریم‌های غیرقانونی است که از سوی دولت ایالات متحده آمریکا به واسطه نقض فاحش توافق برجام و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ علیه ملت ایران اعمال شده است.

درمصاحبه با شبکه تلویزیونی آمریکایی سسی آن ان تصریح کرد : آمریکا برای بازگشت به برجام باید مقدمات آن را فراهم کند که مهمترین آن‌ها لغو تحریم‌های غیر قانونی علیه ایران است.

علی باقری کنی در مصاحبه با کریستین امان پور خبرنگار ارشد سسی آن ان تاکید کرد: محور مذاکرات هسته‌ای برای بازگشت به برجام نیست، زیرا ایران از برجام خارج نشده که بخواهد به ان بازگردد بلکه این آمریکا بود که از آن خارج شده است و برای بازگشت باید با لغو تحریم‌های غیر قانونی علیه ایران مقدمات آن را فراهم کند.

وی در گفت وگو با خبرنگار ایرنا در لندن این مطلب را در پاسخ به پرسشی درباره اصرار طرف‌های غربی برای

زمنه پرداخت دهی ۰۰۶میلیون پوندی لندن به تهران

گروه سیاسی؛ «علی باقری کنی» روز پنجشنبه با «جیمز کلورلی» معاون خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه انگلیس در ساختمان این وزارتخانه در لندن دیدار کرد که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگوبا بلومبرگ اعلام کرد که گفت‌وگوهایی جدی با مقامات

دولت انگلیس درباره پرداخت دهی این کشور به ایران داشته است و برای امیدواری کرد این دهی «به زودی» پرداخت شود. «علی باقری» درباره ملاقات با مقامات بریتانیا ابراز امیدواری کرد: دهی ۴۰۰ میلیون پوندی(۵۳۵ میلیون دلاری) دولت انگلیس به ایران بابت یک قرارداد قدیمی نظامی «به زودی» پرداخت خواهد شد و دو کشور در تلاشند ببینند پرداخت این مبلغ چطور می‌تواند انجام گیرد.

او با بیان این که «بر سر مسئله اصلی پرداخت این دهی و میزان آن توافق شده است اما روش و پروسه پرداخت هنوز طبق نشده است.» افزود که مذاکرات در این باره هفته آتی در تهران ادامه خواهد یافت.

معاون وزیر امور خارجه کشورمان همچنین گفت مذاکرات اِبا دولت انگلیس ا «جدی» و یک گام رو به جلو در حل کردن اختلافات میان دو کشور بوده است. به گفته باقری، موضوع زندانی بودن نازنین زاغری، زندانی دو تابعیتی ایرانی-انگلیسی در ایران یکی از مسائلی بوده است که در دیدار و رایزنی با مقامات انگلیسی مطرح شده است.

این دیپلمات ارشد کشورمان در این گفت‌وگو هرگونه ارتباط زندانی بودن زاغری به موضوع دهی دولت انگلیس به ایران را رد کرده و در این باره گفت، یازاداشت زاغری «یک موضوع قضایی است که در چارچوب قوه قضائیه به آن رسیدگی می‌شود و قابل پیگیری در قوه قضائیه است.»

معاون وزیر امور خارجه در تور اروپایی دنبال می‌کند

درخواست تضمین لغو تحریم‌های ایران پیش از مذاکرات وین

از این توافق ادعا کرد مادامی که ایران به تعهداتش ذیل برجام پایبند باشد، واشنگتن هم متعهد می‌ماند.

ایران و گروه ۵+۱ شامل آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا همراه با آلمان در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ فروشه ۲۰۱۵) به توافقی جامع دست یافتند که براساس آن ایران برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود کرد و در مقابل تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران تعلیق شد و چند ماه بعد شورای امنیت با تصویب قطعنامه اجماعی ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) برجام را تایید کرد.

پس از پایان ریاست جمهوری باراک اوباما، دونالد ترامپ رئیس جمهوری تددوی آمریکا در ۸ مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت۱۳۹۷) فرمانی را امضا کرد که براساس آن آمریکا از توافق بین المللی و چندجانبه برجام بطور یکجانبه خارج و تحریم‌های هسته‌ای ایران که بر اساس برجام تعلیق شده بود، طی یک دوره زمانی بازگشت.

ایران تا یک سال پس از خروج آمریکا از برجام به تمامی تعهداتش ذیل این توافق عمل کرد تا به کشورهای اروپایی‌که وعده می‌دادند آثار خروج بعدی اسات و بریتانیا همراه با آلمان در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۸ اردیبهشت۱۳۹۷) فرمانی را امضا کرد که براساس آن آمریکا از توافق بین المللی و چندجانبه برجام بطور یکجانبه خارج و تحریم‌های هسته‌ای ایران که بر اساس برجام تعلیق شده بود، طی یک دوره زمانی بازگشت. ایران تا یک سال پس از خروج آمریکا از برجام به تمامی تعهداتش ذیل این توافق عمل کرد تا به کشورهای اروپایی‌که وعده می‌دادند آثار خروج بعدی اسات و بریتانیا همراه با آلمان در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۸ اردیبهشت۱۳۹۷) فرمانی را امضا کرد که براساس آن آمریکا از توافق بین المللی و چندجانبه برجام بطور یکجانبه خارج و تحریم‌های هسته‌ای ایران که بر اساس برجام تعلیق شده بود، طی یک دوره زمانی بازگشت.

تاکون ۶ دور مذاکره در شهر وین میان اعضای اسلماهی ایران در توافق بوده و هست، پایبند به توافق بوده و در حال حاضر هم پایبند است. از این جهت مسئله ای که باید در مرحله اول به آن رسیدگی شود موضوع لغو تحریم‌های غیر قانونی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است.

معاون وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش که «آمریکا به عنوان طرف نقض کننده برجام برای بازگشت به این توافق و رفع تحریم‌ها اعلام آمادگی کرده و ایران هم تاکید دارد که در صورت رفع موثر و قابل راستی آزمایی تحریم‌ها به اجرای تعهداتش بازمی‌گردد. مشکل کار کجاست؟»، بیان داشت که این پرسش را باید طرف آمریکایی پاسخ دهد.

ادامه مذاکرات وین از نقطه‌ای که در دور ششم به پایان رسید مطرح کرد و بیان داشت: به نظر من مساله روشن است. ریشه مساله‌ای که ما دربار‌هاش صحبت می‌کنیم نقض توافق توسط آمریکایی‌ها، نقض قطعنامه توسط آمریکایی‌ها، بازگرداندن تحریم‌ها توسط آمریکایی‌ها و اعمال تحریم‌های جدید توسط آمریکایی‌هاست.

وی خاطر نشان کرد: این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در توافق بوده و هست، پایبند به توافق بوده و در حال حاضر هم پایبند است. از این جهت مسئله ای که باید در مرحله اول به آن رسیدگی شود موضوع لغو تحریم‌های غیر قانونی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است.

معاون وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش که «آمریکا به عنوان طرف نقض کننده برجام برای بازگشت به این توافق و رفع تحریم‌ها اعلام آمادگی کرده و ایران هم تاکید دارد که در صورت رفع موثر و قابل راستی آزمایی تحریم‌ها به اجرای تعهداتش بازمی‌گردد. مشکل کار کجاست؟»، بیان داشت که این پرسش را باید طرف آمریکایی پاسخ دهد.

تایید ضمنی مقدمه چینی پرداخت دهی

پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه بریتانیا ضمن اعلام ملاقات دیپلمات‌های ارشد این کشور با مقامات ایرانی نوشت که وزارت امور خارجه تاکید کردن ایران باید از فرصت به نتیجه رساندن موضوع توافق هسته‌ای که اکنون روی میز مذاکرات است، استفاده کند.

در این میان ، جرمی هانت وزیر امورخارجه پیشین بریتانیا در گفت وگو با شبکه‌ای کنیز تاکید کرد که این کشور باید دهی ۴۰۰ میلیون پوندی خود به ایران را بپردازد. وی در این باره اظهار داشت: زمانی که من وزیر امورخارجه بودم گفت وگوهایی درباه قاعده کلی و اصل آن در جریان بود و ما مشخص کردیم که پول باج نمی‌دهیم، اگر پول باج بود، من واقعاً از پرداخت آن حمایت نمی‌کردم اما موضوع مربوط به یک دهی است و ما کشوری هستیم که دهی‌های خود را پرداخت می‌کنیم.

جرمی‌هانت در ادامه وجود ارتباط میان پرداخت این دهی با پرونده نازنین زاغری شهروند دوتابعیتی یازاداشت شده در ایران را رد کرد و گفت: این یک بدهی است که باید پرداخت شود. یک دادگاه بین المللی نیز حکم داده که ما به‌دکار هستیم. وزیر دفاع (بریتانیا) هم گفته که باید در این باره بپردازیم. بنابرین من فکر می‌کنم که در حال حاضر هیچ تردیدی در اصل آن وجود ندارد. این دیپلمات سابق انگلیس مدعی شد: البته باتوجه به تحریم‌های آمریکا علیه ایران برای پرداخت این دهی یک سری ملاحظات سیاسی نیز وجود دارد.

وی افزود: هماکنون که رئیس جمهوری اوباما بدهی آمریکا به ایران را پرداخت کرد، این نیز یک وضعیت مشابه است. از نظر من بعید است که برای این کار، با همان مخالفتی از سوی رئیس جمهور بایدن (رئیس جمهور کنونی آمریکا) مواجه باشیم که ممکن بود در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ با آن روبرو باشیم.



وی خاطر نشان کرد: مساله اصلی لغو تحریم‌های غیر قانونی اسات و برانگشت آمریکا به برجام مساله بعدی اسات و بریتانیا همراه با آلمان در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ فروشه ۲۰۱۵) به توافقی جامع دست یافتند که براساس آن ایران برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود کرد و در مقابل تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران تعلیق شد و چند ماه بعد شورای امنیت با تصویب قطعنامه اجماعی ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) برجام را تایید کرد.

تاکون ۶ دور مذاکره در شهر وین میان اعضای اسلماهی ایران در توافق بوده و هست، پایبند به توافق بوده و در حال حاضر هم پایبند است. از این جهت مسئله ای که باید در مرحله اول به آن رسیدگی شود موضوع لغو تحریم‌های غیر قانونی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است.

معاون وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش که «آمریکا به عنوان طرف نقض کننده برجام برای بازگشت به این توافق و رفع تحریم‌ها اعلام آمادگی کرده و ایران هم تاکید دارد که در صورت رفع موثر و قابل راستی آزمایی تحریم‌ها به اجرای تعهداتش بازمی‌گردد. مشکل کار کجاست؟»، بیان داشت که این پرسش را باید طرف آمریکایی پاسخ دهد.

تاکید بر ارائه تضمین اروپا به ایران

به برجام ضمانت بدهد تصریح کرد: «مسئله به توافق مربوط می‌شود نه سیاست. اگر مینا دو دولت توافق صلح حاصل شود، آن توافق، اثر قانونی یک معاهده را خواهد داشت. این قانون بین‌المللی است. نمی‌شود که قوانین داخلی یک کشور بر یک توافق بین‌المللی ارجحیت پیدا کند. چنین چیزی خلاف قوانین بین‌المللی است.»

طریق گزارش گاردین، علی باقری اضافه کرده ایران مذاکره‌کننده ارشد ایران تعهدی مبنی بر این است که آمریکا بار دیگر از توافق هسته‌ای خارج نخواهد شد. گاردین از قول باقری کنی نوشته که در دوره‌ای قبلی مذاکرات وین بر سر روش‌های راستی‌آزمایی تحریم‌های آمریکا و آثار عملی این رف تحریم‌ها بر تجارت با ایران توافقی حاصل نشده است.

وی گفت: «ما به راستی‌آزمایی نیاز داریم و این موضوع، یکی از مسائلی است که هنوز نهایی‌نشده باقی مانده است. فقط کافی نیست که خودکار روی توافق به گردش آید.»

روزنامه گاردین نوشته مذاکره‌کننده ارشد ایران احتمال در نظر گرفتن یک گروه مستقل برای راستی‌آزمایی رف تحریم‌ها را منتفی ندانسته است. هفتمین دور مذاکرات وین برای رف تحریم‌های غیرقانونی اعمال‌شده علیه ایران قرار است از روز ۸ آذرماه آغاز شوند. «علی باقری» در هفته جاری برای رایزنی درباره مذاکرات رف تحریم به پاریس، برلین و لندن سفر کرده است.

گاردین نوشته باقری برای دفاع از موضع ایران مبنی بر اینکه آمریکا بایستی به ایران درباره پایبندی ترامپ وضع شده بایستی رف شوند.»

ریاکوف:

برای بازگشت به برجام به اراده سیاسی نیاز است

می‌شود که از مزایای اقتصادی گنجانده شده در توافق بهره مند شود. توافقاتی که در بطن برجام قرار گرفته است.

ریاکوف همچنین اظهار داشت: ایران نیز برای احیای برجام باید گام‌هایی را بردارد که سایر طرف‌ها بتوانند عدم انحراف برنامه هسته ای تهران از پارامترهای برجام را ثبت کنند. طرف ایرانی به منظور شفاف سازی این مسئله برای طرف‌های دیگر توافق و به طور قطع آژانس بین المللی انرژی اتمی می‌بایست یک سری اقدامات انجام دهد تا اطمینان دهد که هیچ انحرافی از پارامترهای برجام در فعالیت‌های

بیانیه سومین گفت وگوی امنیتی منطقه‌ای در مورد افغانستان

شرکت کنندگان در سومین گفت وگوی امنیتی منطقه‌ای در مورد افغانستان با انتشار بیانیه ای ضمن احترام به حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ، عدم مداخله در امور داخلی و حمایت قوی از صلح ، امنیت و ثبات این کشور تاکید کرده اند.

به گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، سومین گفت وگوی امنیتی منطقه‌ای در مورد افغانستان در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱ (۱۹ آبان ۱۴۰۰) در دهلی نو برگزار شد.

در این نشست مقام‌های شوراهای امنیت ملی و مشاورین امنیت ملی کشورهای هند، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان حضور داشتند.

نماینده جمهوری اسلامی ایران در این نشست دریابان شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی بود.

در این بیانیه آمده است، سومین گفت وگوی امنیتی منطقه‌ای در مورد افغانستان در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱ (۱۹ آبان ۱۴۰۰) در دهلی نو در قالب گسترش یافته برگزار شد. در این نشست مشاوران امنیت ملی /دیپران شوراهای امنیت ملی جمهوری هند، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، فدراسیون روسیه، جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان و جمهوری ازبکستان شرکت کردند.

ویژه
جو بایدن و معمای صلح و ثبات در خاورمیانه

ترجمه: حشمت الله رضوی
قسمت سوم

کسینجر اظهارات سادات را حتی زمانی که لحن بسیار تهدید کننده‌ای به خود گرفت جدی نگرفت؛ برای مثال رهبر مصر در مصاحبه‌ای اعلام داشت» در مصر همه چیز پیشاپیش برای از سرگیری نبردی که اکنون اجتناب ناپذیر است، در حال بسیج شدن است.»

در سال ۱۹۷۳، زمانی که مصر در مقدس ترین روز تقویم یهودی، یوم کیپور، به شبه جزیره سینا حمله کرد و سوریه کوشید ارتفاعات جولان را بازپس بگیرد؛ کسینجر با اطمینان به مطالعاتش در مورد نظم اروپایی سده نوزدهم به سرعت وارد عمل شد. هدف کسینجر این بود که ترتیبات قبل از جنگ در منطقه را به نحوی تعدیل کند که بازیگران عمده خاورمیانه آن را عادلانه تر ببینند. وی همچنین می‌خواست آمریکا را در موقعیتی قرار دهد که نقش نیرومندترین قدرت را، که توان بازی هوشمندانه با نیروهای رقیب را در منطقه دارد، بازی کند.

برای حمایت از دیپلماسی توسط زور، کسینجر اسرائیل را تشویق به ضد حمله کرد و زمانی که فشار نظامی کمک کرد مصری‌ها و اتحاد شوروی شرایط آتش بس مورد نظر وی را بپذیرند وی از اسرائیل خواست حملات خود را متوقف سازد. وی بویژه از نابود کردن سپاه سوم ارتش مصر که در پایان جنگ به محاصره نیروهای اسرائیل در آمده بود، جلوگیری کرد. این اقدام سادات را قادر ساخت با اسرائیل وارد گفتگوهای صلح شود و در همان حال وقار وی آسیب نیند.

سپس کسینجر اوضاع را برای به جریان انداختن روند صلح مناسب دید. هدف این بود که وی مصر را به عنوان بزرگ ترین و قدرتمندترین کشور عربی از پیوستن به هرگونه ائتلاف عربی که با هدف جنگ تشکیل می‌شود، دور نگه دارد. این اقدام توسط به یک جنگ دیگر میان اسرائیل و کشورهای عربی را غیر ممکن می‌ساخت. یک شباهت بی کم و کاست میان رهیافت کسینجر در باره مصر و رهیافتی که مترنخ و کاستلاری در مورد فرانسه، پس از شکست ناپلئون در پیش گرفتند، وجود دارد. مترنخ و کاستلاری به جای مجازات، فرانسه را در نظم جدیدی ادغام و به این ترتیب آن را از یک کشور انقلابی و تجدید نظر طلب به یک قدرت طرفدار وضع موجود تبدیل کردند.

در مورد شرایط موجود خاورمیانه، کسینجر احتمالا رهیافت مشابهی را در برخورد با ایران در پیش می‌گرفت؛ کشوری که آشکارا بقایای نظم خاورمیانه‌ای تحت رهبری آمریکا را، که وی ایجاد کرده بود، تهدید می‌کند. وی از سرنگونی رژیم حاکم بر ایران حمایت نمی‌کرد بلکه در مقابل می‌کوشید ایران را ترغیب کند از تلاش برای صدور انقلابش دست بکشد و در مقابل به رفتاری بازگردد که با رفتار یک دولت بیشتر شباهت دارد. در همین حال، واشنگتن باید در جستجوی توازن جدیدی باشد که در آن انگیزه‌های انقلابی ایران مهار شود و میان این کشور و اتحادی از کشورهای سنی که با اسرائیل و آمریکا همکاری می‌کنند، موازنه برقرار شود. با این وجود زمانی که ایران تصمیم می‌گیرد قواعد بازی را رعایت کند، از نظر کسینجر، آمریکا باید به عنوان نیروی متوازن کننده وارد عمل شود و خود را به همه قدرت‌های رقیب در خاورمیانه، بیش از آنچه آنان به یکدیگر نزدیکند، نزدیک کند. کسینجر می‌گوید: «آمریکا با دنبال کردن اهداف استراتژیک خود می‌تواند یک عامل تعیین کننده باشد– شاید عامل تعیین کننده – در تعیین این که آیا ایران راه اسلام انقلابی را ادامه دهد یا این که به عنوان یک کشور بزرگ به گونه‌ای مشروع و حایز اهمیت در نظام کشورهای برآمده از نوعی پیمان وستفالی ادغام شود.»

هشدار در مورد اهداف جاه طلبانه

از آنجا که کسینجر در فضای عملی می‌کرد که دولت آمریکا مایل به هزینه‌های زیاد در آن نبود، از خطرات جاه طلبی و زیاده روی در گرفتن امتیازات عمیق آگاه بود. اما همچنانکه وی در کتاب یک جهان اعاده شده اعلام می‌دارد، «این نه موازنه بلکه همه شمولی و نه امنیت بلکه جادوانگی است که الهام بخش انسان‌ها است.» و همچنین که وی در کتاب معروفش به نام «دیپلماسی» در تاریخ انتشار ۱۹۹۴، شرح می‌دهد سیاستمداران آمریکا قواعد بازی را در چارچوب نگرش وی به نظم بین‌الملل نه چندان درک می‌کنند و نه چندان به آن احترام می‌گذارند. آرنماگرایی سیاستمداران آمریکایی، بویژه در مورد خاورمیانه، اغلب برگرفته از احساس مشیت الهی است. آنان تصور می‌کنند که تعویض صلح و ملت سازی نه تنها مطلوب بلکه دست یافتنی است و تنها مشکل برای نیل به این اهداف، از نظر آنان به کارگیری فرمول صحیح است. اما مشکل دیپلماسی آمریکا در خاورمیانه در همینجا نهفته است. همچنان که کسینجر معتقد بود حفظ نظم نیازمند تلاش متعادل کننده برای حل کشمکش‌های منطقه است درحالی که جاه طلبی می‌تواند به بی ثبات شدن آن نظم بیانجامد.

در نظر بگیرید که چگونه در ابتدا نیکسون فکر می‌کرد که برای تحمیل صلح بر کشورهای نافرمان خاورمیانه، خواه مورد حمایت واشنگتن یا مسکو، باید با اتحاد شوروی همکاری کند. در میانه جنگ یوم کیپور، کسینجر عازم مسکو شد تا در مورد شرایط آتش بس با کنویند برتنگ رفتر اتحاد شوروی گفتگو کند. وی در مسیر مسکو دستورات صریحی از نیکسون دریافت کرد که «دست به هر اقدامی برند» تا «همین حالا» به یک راه حل عادلانه برای حل و فصل درگیری دست یابد و برای «فشار لازم بر دوستان هر دو طرف» با برنزف همکاری کند. دستورات نیکسون استراتژی مورد نظر کسینجر که، ملایم تر و در صدد فرزاری آتش بس و به دنبال آن انجام معروضات کسینجر میان مصر و اسرائیل بود، تا تهدید شکست رو به رو می‌کرد. وی که عصبانی بود دستورات رییس جمهوری را نادیده گرفت. کسینجر توانست دستورات نیکسون را نادیده بگیرد زیرا وی پیام رییس جمهوری را درست زمانی دریافت کرد که نیکسون حکم اخراج آیکبیال کاکس، دادستان ویژه واترگیت را صادر کرده بود. پس از آن، رویداد معروف به «قتل عام شبیه شب» در جریان حادثه واترگیت در سال ۱۹۷۳(م. طی آن دو مقام بلندپایه وزارت دادگستری به جای اطاعت از دستور نیکسون استعفا دادند؛ سبب شد رهبران کنگره استیضاح رییس جمهوری را آغاز کنند. و در حالی که موضوعات سیاست داخلی آمریکا در کانون توجه همگان بود، کسینجر توانست اولویتهای مورد نظر خود را در خاورمیانه دنبال کند.

وی در زمان فورد که جانشین نیکسون شده بود توانست به موفقیت مشابهی دست یابد. زمانی که مذاکرات میان انور سادات از مصر و نخست وزیر اسرائیل اسحاق رابین در فورهی سال ۱۹۷۵ ناکام ماند، فورد تصمیم گرفت کنفرانسی در اِبو با شریکت اتحاد شوروی برگزار کند و یک راه حل صلح آمیز فراگیر را بر اسرائیل و کشورهای عربی همسایه اش تحمیل کند. اما کسینجر به نفع بازگشت به دیپلماسی رفت و برگشت خود این ابتکار را مسکوت گماشت و به این ترتیب مصر و اسرائیل را به توافق صلح نهایی نزدیک تر کرد.

دیگر روسای جمهوری آمریکا که پس از نیکسون و فورد بر سر کار آمدند نیز در تقییب اهداف آرمانی خود برای خاورمیانه بودند بدون این که علاقه چندانی به حفظ نظم منطقه ای، که کسینجر ایجاد کرده بود، داشته باشند. جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا ایده همکاری با اتحاد شوروی را برای برگزاری دوباره کنفرانس ژنو با هدف تحمیل صلح فراگیر احیا کرد. این بار سادات بود که با سفر به بیت المقدس در نوامبر سال ۱۹۷۷ رییس جمهوری آمریکا را ناکام گماشت. یک سال بعد در کمپ دیوید، کارتر که به اشتباه خود بی برده بود به جای حل و فصل فراگیر کشمکش اعراب و اسرائیل که راه حل مشکل فلسطین نیز در آن گنجانده شده باشد؛ در صدد یک توافق صلح جداگانه میان مصر و اسرائیل بود.

با این همه، دو دهه بعد کلینتون با درخواست مصرانه ایهود بارک نخست وزیر اسرائیل در مورد تلاش برای دستیابی به یک توافق برای پایان دادن به کشمکش اسرائیل و فلسطین، در جولای ۲۰۰۰ در کمپ دیوید، موافقت کرد و به این ترتیب روند گام به گام کسینجر را که اسحاق رابین در در توافقات اسلو ارائه کرده بود، به کنار نهاد. رهبر فلسطین یاسر عرفات دریافت که ایهود باراک و کلینتون قصد داشتند یک راه حل نهایی را بر فلسطین تحمیل کنند و در نتیجه از ادامه روند گفتگوها سر باز زد. سپس طولی نکشید که دومین انتفاضه فلسطین و به دنبال آن سرکوب اسرائیل شروع شد؛ رویداد مصیبت باری که پنج سال ادامه یافت، منجر به مرگ هزاران نفر شد و در همان حال همه اعتمادی را که میان طرفین وجود داشت برین برد. با این همه، روسای جمهوری آمریکا بارک اوباما و دونالد ترامپ هر دو بعدها کوشیدند توافقاتی ایجاد کنند که به کشمکش پایان دهد اما تلاش‌های هر دو به شکست انجامید.

بوش در برابر سوسه برقراری صلح فراگیر مقاومت کرد اما به آنچه که کسینجر مدت‌ها پیش نام «جادوانگی» که بر آن نهاد بود، تن داد. پس از سرنگونی طالبان در افغانستان و صدام حسین در عراق، وی «سناتور جلسه آزادی» خاورمیانه را اعلام و یادآور شد که ترویج دموکراسی در منطقه «باید نکته محوری سیاست برای اسلحه ایران بر عراق و سراسر منطقه هموار کرد. بوش همچنین هدف آمریکا در افغانستان را که مبارزه با تروریسم بود و به مبارزه علیه شورشگری و ملت سازی تغییر داد. این تصمیم نیز چیزی جز شکست و تحقیر بدنبال نداشت. بیست سال بعد، کسینجر در حالی که نود سالگی را پشت سر گذاشته بود اعلام کرد که «اهداف نظامی آمریکا در منطقه بسیار مطلق و دست نیافتنی، و اهداف سیاسی بسیار انتزاعی و دور از دسترس بودند.»

ادامه دارد